

غرور رهنزن دل

محدثہ نثر، نثر اد کا سگری

www.ketab.ir

سرشناسه : طالب نژاد، محسن، ۱۳۵۰ -
 عنوان و نام پدیدآور : غرور و هزن دل / محسن طالب نژاد کاسگری.
 مشخصات نشر : تهران: انتشارات بین المللی شمس، ۱۳۹۲.
 مشخصات ظاهری : ۲۳۰ ص.
 شابک : 978-964-6696-69-3
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 موضوع : غرور و تکبر (اسلام)
 موضوع : غرور و تکبر (اسلام) -- احادیث
 موضوع : غرور و تکبر (اسلام) -- جنبه های قرآنی
 بندی : ۱۳۹۲ ط ۴ / ۴۱ / ۲۵۰ BP
 رده : ۲۹۷ / ۲۲
 شماره کتابشناختی : ۳۳۰۶



غرور و هزن دل

تألیف: محسن طالب نژاد کاسگری

انتشارات بین المللی شمس

چاپ اول: ۱۰۰۰ نسخه زمستان، ۱۳۹۲

چاپ و صحافی کهن

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۶۹۶-۶۹-۳

بها: ۱۰۰۰۰ تومان

تهران- خیابان آزادی- خیابان اوستا - کوچه سرو - پلاک ۱۸ تلفن: ۶۶۴۳۰۵۰۸

فهرست مطالب

۱	مقدمه:
۵	غرور و خود بینی
۶	مفهوم غرور
۷	غرور در قرآن مجید
۹	نمونه
۱۱	خاستگاه کبر
۲۱	کبر
۲۳	کبر در آیات و روایات
۲۹	آثار تخریبی غرور
۳۲	افراد دارای زمینه غرور
۳۶	تکبر در منطق عقل
۴۴	تکبر سبب تمام اخلاق بد
۴۵	کبر مانع کسب حسنات
۴۵	حقیر شمردن دیگران
۴۶	تکبر و غرور
۶۷	چرا شیطان را غرور می نامند؟
۷۹	حقیقت کبر
۸۰	شاخه های تکبر
۸۰	متکبرین در روز قیامت
۸۱	اقسام تکبر و درجات متکبرین
۸۴	بلاى بزرگ در طول تاریخ بشر
۱۰۹	مغرور به علم

۱۱۰	مرز میان کبر و کرامت نفسانی
۱۳۸	ذم غرور
۱۳۹	انوع غرور
۱۳۹	اهل علم
۱۴۱	غیر عابدان
۱۴۴	غرور سلاطین
۱۴۵	غرور فی سبکدوشان و شهوات
۱۴۶	خودنمایی
۱۴۶	آزادی نفس از غرور
۱۴۹	عجب و غرور و باور
۱۴۹	غرور و جهل جوانی
۱۴۹	نکوهش طاعت با عجب
۱۵۱	غرور بمعنای مثبت (عزت نفس)
۱۵۳	تکبر ظاهری و باطنی
۱۵۴	حکایت
۱۵۴	فخر به پدران
۱۵۵	انگیزه های تکبر
۱۶۳	ریشه یابی تکبر
۱۶۷	جلوه های کبر
۱۷۱	فقیر در کنار مرد ثروتمند
۱۷۱	انتظار سلام از دیگران
۱۷۴	سلام در قرآن
۱۷۴	سه دستور برای سلام در قرآن

۱۷۵.....	سلام شاعر بهشتیان.....
۱۷۶.....	با تکبر راه رفتن.....
۱۷۷.....	این سنگ بهتر است یا تو؟.....
۱۷۸.....	اجرای ازدواج جویبر.....
۱۸۱.....	اسد و مضرات تکبر.....
۱۸۲.....	ریختن تکبر.....
۱۸۳.....	یوسف و زلیخا.....
۱۸۵.....	مبارزه نفسی با تکبر.....
۱۸۶.....	غرور بمعنای تثبیت غرور (نفس).....
۱۸۹.....	غرور تشبیهات سور.....
۱۹۰.....	مرز میان اعتماد به نفس و غرور.....
۱۹۶.....	حکایت دیوار غرور!!.....
۱۹۷.....	نتیجه تکبر و غرور.....
۱۹۹.....	عبرت.....
۲۰۰.....	آفت علم.....
۲۰۲.....	شاخه های تکبر.....
۲۰۷.....	زیانها و مفاسد تکبر.....
۲۱۰.....	پهلوان مغرور.....
۲۱۱.....	درمان تکبر.....
۲.....	منابع.....

با یاد تو ای مهربان جان آفرین

مقدمه:

فرهنگ لغات فارسی واژه ی تکبر به معنی بزرگی بخود گرفتن، خود را بزرگ پنداشتن، و بزرگی فروختن به دیگران بکار رفته است. در معنا و مفهوم می توان تکبر را چنین تعریف کرد: تکبر نوعی ویژگی اجتماعی است که تصویر سازی رفتاری می کند به گونه ای که این تصویر سازی با عرف سازگار نیست. غرور فرهنگ لغت عمید چنین آمده است: غرور به معنی فریفتن، بیهوده کردن کسی را، به چیزی بیهوده و باطل طمع بستن و در عرف بمعنی کبر و نخوت و خود بینی هم اعمال می شود.

غرور در لفظ به معنی تفاخر و فروختن به دیگران است. یعنی فرد مغرور به داشته های خود افتخار می کند که این داشته ها را در قالب غرور به رخ دیگران بکشد. و در معنا نیز می تواند نوعی ویژگی اجتماعی باشد. خود بینی نیز در معنای لغوی آن می تواند مفهوم درخشان بین و خود کامه باشد. درباره معنایی آن نیز می توان گفت خود بینی سیستمی است که جز خود کسی را در هیچ زوایایی نمی بیند. به طوری که شخصیت های نارسایی سیستمیک (خود شیفته) از این قبیله اند. چه این که خود شیفته ها اغلب به ظواهر و باطن خود توجه دارند و دیگران را مدنظر ندارند. اگر شخصیت های خود شیفته خود برترین هستند و مهمترین عامل زیبایی صورت و سیرت این افراد بوده و همین دو عامل باعث می شود تا که شخصیتی همچون نرسیون داشته باشند. با این تعبیر می توان نتیجه گرفت که آیا

تکبر، غرور و خودبینی خوب است یا بد و احياناً در مواردی می‌تواند بد باشد و البته در موارد دیگر مثبت و فرارونده و دیگر نکته این که آیا این سه مقوله در اجتماع همیشه نقش منفی را بازی می‌کنند و ختام این که نگاه عرف تا چه اندازه در رشد و رکود این سه مقوله مؤثر افتاده است. همانطور که از معنای لغوی تکبر پیداست بزرگی به خود گرفتن اگر در جهت انتقال، پویایی و توسعه فرهنگی و ... جامعه باشد کاری بس مفید و فرابخش است. اما برای چند تعریفی نمی‌تواند غیر سازنده و منتج باشد. اما اگر بزرگی به خود گرفتن در جهت ترویج فرهنگ دگماتیسم و به بیانی تک محوری باشد و نتیجه‌ی آن نیز به ضرر و خسران جامعه ختم شود، بی‌گمان چنین تکبری کارآمد نیست. ترویج آن در جامعه کاری است ناخوشایند.

به عنوان مثال یک هنرمند را پسندیم اگر بزرگی هنر خود را در اختیار عموم قرار دهد، این رفتار بزر نیست. بی‌اگر از این بزرگی هم به نوبه خود تعریف کند ولی اگر علم آن عمل باشد و تنها غروری خشک و غیر فرارونده را به نمایش بگذارد می‌تواند این نوع رفتار تکبر غیر منتج گفت. خود را بزرگ پنداشتن در جهت اصلاح جامعه کاری بی‌بندلیل و پیش رونده است و بزرگ منشی بودن اگر به نفع خود را باشد مانعی ندارد، ولی اگر بدین صورت نباشد خوشایند نیست، به قول بزرگ‌ترین راه برای تخریب افتخارات است. در این جا تکبر در معنی نزدیک و نظر است و نه در معنای دور. چه این که نیچه بزرگی به خود گرفتن را تکبر بی‌بند و افتخارات شخصی می‌داند و البته این قطعه‌ای ادبی پیامدی اجتماعی در معنی نزدیک ندارد ولی در معنای دور می‌تواند بار اجتماعی داشته باشد چرا

که افتخارات یک شخص می تواند بدون تکبر در جامعه سازنده باشند. غرور نیز هم می تواند نقش مثبتی را در جامعه بازی کند و هم می تواند نقش منفی داشته باشد. از این منظر انسان چون فراشعور و فراعقل است لذا می تواند گفت که این موجود غرور ندارد.

هرگز نخورد آب زمینی که بلند است

بد بزرگ سنی، مراتبی دارد. اولین مرتبه آن خود بزرگ بینی در اثر به دست آمدن قدرت و موفقیت ها است و دومین مرتبه که بدتر از مرحله قبلی است بزرگ بینی بدون داشتن علم و کمال است و سومین و بدترین نوع خرد پستی، بسط به گناه و آلودگی است. افراد گناهکار و آلوده دو دسته اند دسته اول از آنها بعد از گناه و عمل زشت خود شرمنده می شوند و از کار بد خود پشیمان می شوند. اما دسته دیگری هستند که نه تنها احساس شرمندگی نمی کنند بلکه به مدی مغرور و از خود راضی هستند که از اعمال زشت و ننگشان خفا کنند و حتی به آن مباهات می کنند و از آن بالاتر این که مایلند که مردم آنها را نسبت به اعمال نیکی که هرگز انجام نداده اند مدح و تمجید کنند.

در زاویه ای دیگر نیز می توان به مقوله ی غرور پرداخت به این که انسان چون موجودی اجتماعی است نیاز به غرور اجتماعی هم دارد. اما چون افق دید افراد متفاوت است و برای زیستن در اجتماع نیز نمی توان همراستا با افکار همه پیش رفت در این جاست که لازم است، در ابعادی که نیاز به طلبد غرور اجتماعی داشته باشیم البته به شرطی که این غرور ابتدا صدها به خود و بعد به دیگران وارد نکند. به گونه ای که این غرور اجتماعی به مانند

یک کارد کمک جراحی باشد نه کارد دیگر مثال معروف خواهی نشوی رسوا
 هم‌رنگ جماعت باش نیز مصداق بارزی در جهت جواب به مقوله غرور
 است. چه این که هم‌رنگ شدن در این جا به معنی تسامح (مدارا کردن) می
 باشد نه تساهل. البته شاعر اجتماع سالم را مثال می زند نه اجتماعی که
 سالم است. چون با بدان بنشستن عواید خوبی را در پی ندارد. نکته ی دیگر
 خودبینی است. خودبینی و یا تعبیری دیگر خود برتربینی از نگاه عرف کار
 دشواری است و این طور جا افتاده که فرد خود بین فردی غیرقابل قبول
 است و باید دید که خود بینی در ابعاد مختلف مدنظر است کما این که
 در خیلی از ادبیات مولف های یک فرد خود به خود باعث می شود که این
 فرد به خود باوری برسد بنا بر این خودباوری نمی تواند خود بینی باشد.
 به امید آن روز که همه ما را هم از تیررس سهمگین و کشنده غرور و کبر
 با تقویت صفات حمیده اخلاقی مصون نسیم.
 در خاتمه تقاضای مشفقانه دارم از همه دانشمندان و فرهیختگان که با
 مطالعه آثار این حقیر، اینجانب را از نواقص و کمالاتش آگاهانه خویش از طریق خط
 ارتباطی ۰۹۱۱۲۱۶۲۵۶۰ بی بهره نگردانند.

مازندران - محسن طالب نژاد